



۱۰۰ رمان برتر انگلیسی‌زبان قرن بیست

گتسبی بزرگ

اف. اسکات فیتز‌جرالد
ترجمه مه‌ای سجودی مقدم

به همراه ترجمه و ردان: دکتر علی سلامی



فیتس جرالڈ، فرانسیس اسکات، ۱۸۹۶ - ۱۹۴۰ م. (Fitzgerald, F.Scott (Francis Scott)
گتسبی بزرگ / اف. اسکات فیتزجرالد؛ ترجمه: مهدی سجودی مقدم؛ به همراه ژرف‌نگری رمان: علی سلامی.
تهران: مهراندیش، ۱۳۹۶.
ص. ۲۹۰

۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۳۰۰-۲

The Great Gatsby

سجودی مقدم، مهدی، ۱۳۴۰ - مترجم
ب ۱۳۹۶ ۲ کی ۵۲۹ PS۲/۵۴ ۸۱۲/۷۷۰ ۵۰۳۷۷۰



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «۱» مشخص می‌شود،
استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که
به جای ویرگول نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های
خواندن درست متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



گتسبی بزرگ

- اف. اسکات فیتزجرالد.
- ترجمه مهدی سجودی مقدم.
- گرافیکست و طراح جلد: نرگس پاینده.
- صفحه آرایی: مهراندیش. چاپ اول: تهران، ۱۳۹۸.
- چاپ: قشقای. چاپ دوم: ۱۳۹۸.
- قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۳۰۰-۲.



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به‌صورت کامل یا بخشی از
آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر، ممنوع و موجب
پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان ابوریحان، نرسیده به خیابان جمهوری، کوچه رازی، بن‌بست مینا، شماره ۴.

۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۶۵

www.mehrandishbooks.com

mehrandishpub@gmail.com

@mehrandishbooks



فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۳	فصل یک
۳۹	فصل دو
۵۹	فصل سه
۸۱	فصل چهار
۱۰۳	فصل پنج
۱۲۳	فصل شش
۱۵۳	فصل هفت
۱۹۳	فصل هشت
۲۱۳	فصل نه
۲۳۷	ژرف‌نگری در گتسبی بزرگ
۲۹۳	منابع

مقدمه مترجم

اف. اسکات فیتز جerald (۱۹۴۰-۱۸۹۶) در مینه‌سوتای آمریکا به دنیا آمد. رمان گتسب، بزرگ که سومین رمان اوست، در سال ۱۹۲۵ منتشر شد و هرچند در زمان غیاب فیتز جerald با اقبال چندانی مواجه نگردید، اما پس از مرگ او به تدریج مورد توجه و نقدان قرار گرفت و جایگاهی در سطح بزرگ‌ترین رمان‌های تاریخ ادبیات آمریکا و جهان پیدا کرد و تاکنون قریب ۳۰ میلیون نسخه از آن در سرتاسر جهان به فروش رفته است.

شاید اگر پروژه ترجمه کتاب‌های «ماتیس» و «پیرری» پیش رو نبود، با توجه به چند ترجمه انجام‌شده از این کتاب، من به ترجمه جدیدی از آن فکر نمی‌کردم، و وارد کارزار نفس‌گیر ترجمه گتسب نمی‌شدم. اما امروز خوشحالم که پس از گذشت سیزده ماه از این کار، توانسته‌ام انجام شده است که بسیار راضی‌ام می‌کند و می‌توانم با طیب خاطر آن را ابراف کنم که ساعات عمر را صرف کار ارزشمند و ماندگاری کرده‌ام.

در همین جا باید از همکاران دانا و پرتلاشم خانم‌ها نرگس پاینده و سمیه مددی بسیار تشکر کنم که حق بزرگی بابت موارد ویراستاری و صفحه‌بندی و آماده‌سازی نهایی این کتاب بر گردن من دارند.

در ترجمه این کتاب ترجمه‌هایی را که تاکنون منتشر شده، مدنظر داشته‌ام، بعضی ترجمه‌ها را با دقت و حوصله دنبال کردم، نقدها و مقالات فراوان انگلیسی و فارسی نوشته‌شده را در حد دسترسی و

بضاعت خواندم، دو فیلم اقتباس از کتاب را بارها و بارها دیدم و در فرازهای غامض و مبهم کتاب، هر جا که نیاز بود، از دانسته‌ها و راهنمایی‌های دوستان دانا یاری جستیم. در نهایت 'با تأمل و وسواس بسیار سعی کردم که روی تک‌تک کلمات و عبارات 'کمال دقت و ملاحظه را صرف کنم و ترجمه‌ای حتی المقدور نزدیک به اصل اثر مهیا نمایم. همچنین در مورد همه اسامی، مکان‌ها و موضوعات طرح شده در متن کتاب 'توضیحات لازم را به همراه شرح و تفسیر لایه‌های پنهان داستان در پاورقی‌های کتاب، که به‌ناچار بسیار شدند، آورده‌ام.

سبب بزرگ زمانی‌ست چندلایه که فراوان از اشاره‌های نمادین، لایه و استعاره و ایهام و ایجاز بهره می‌برد، بنیادهای جامعه‌شناسانه و ساختار بی‌یوک و آمریکا را در یک گذار تاریخی نقد می‌کند و چهره عریان جامعه را در قالب رمانی نه‌چندان قطور و طولانی، و در عین حال خواندنی و پرمایه، به مایس می‌گذارد.

در مورد گتسبی بزرگ بسیار نوشته‌اند و همچنان نیز خواهند نوشت؛ شرح و تفسیر داستان را واگذار می‌کنم به جناب سلامی و آنچه در ژرف‌نگری رمان 'در انتهای همین کتاب خواهد آمد، اما بسیار مایل‌م به نکاتی اشاره کنم که در نقد و بررسی گتسبی بی‌گ کمتر به آن‌ها پرداخته شده است.

داستان جی گتسبی، گذشته از همه رازهای قائل‌تأمل، داستان عشقی‌ست که شور و شوقش را در یافتن معشوق نمی‌جوید، چیزی را مطالبه نمی‌کند و قرار نیست در بزنگاهی دور یا نزدیک به انجام و پایان بیابد. گتسبی از ویرانه‌های گذشته‌ای بی‌نام‌ونشان سر بلند می‌کند، سال‌های جنگ را با رشادت و انجام وظیفه قابل تحسین پشت سر می‌گذارد و با همه تاب‌وتوان می‌کوشد که فقر و درماندگی خود را به ثروت و مکنتی افسانه‌ای و تمام‌نشدنی تبدیل کند و درست است که برای رسیدن به چنین موقعیتی به هر نوع تجارت قانونی یا غیرقانونی متوسل می‌شود و دستش

را با هرکسی در یک کاسه می‌گذارد، اما همه آن خط‌قرمزها، در ذهن و نگاه خواننده، پشت عشق گم‌شده‌ای که گتسبی برایش تلاش می‌کند، پشت خصوصیات روحی، سخاوت و گشاده‌دستی، شخصیت تأثیرگذار و صحت و سلامتی که در وجودش نهفته است، گم می‌شود.

درست است که گتسبی همه هم‌وغمش را بر این می‌گذارد که بسیار ثروتمند شود، و می‌شود، عمارتی مجلل و بی‌نظیر را از آن خود می‌کند، مهمانی‌های پرخرج و پرزرق‌وبرق می‌گیرد، به زنان و مردان میدان می‌دهد که در کنار ایشان می‌خواهد در مهمانی‌هایش بریزوبپاش کنند و لذت ببرند، اما خودش را آلوده هیچ‌کدام از آن لذت‌ها نمی‌کند و نگاهش یکسره به دنبال کسی است که شده‌ای ست که آسمان زندگی‌اش را پر کرده و همان هوایی ست که در آن نفس می‌کشد و به او شوق زندگی می‌بخشد.

اما زمانه است و جفا و بی‌مهری و قدرناشناسی و بی‌وفایی. گتسبی در ابراز عشقش و آن جست‌وجوی بی‌مغایر باک‌بی‌آلایش به آنچه می‌خواهد می‌رسد و جام‌های سرمستی را از سرانجام عشق سر می‌کشد، اما بیش از این، دیگر چه باک که لیاقت عشقش را نداشته باشند و آنجا که باید همدلی و همراهی نشان دهند، راه بددلی و بی‌دریغی در پیش بگیرند.

گتسبی در عشق بی‌محابا و رازآلودش هرگز تردید ندارد؛ او داروندارش مایه گذاشت و آنجا که حفظ و بقای معشوق جانش را نیز طلب می‌کرد، پایش نلرزد و مجالی برای شک و تردید باقی نگذاشت.

خوانندگان گتسبی بزرگ تمام نخواهند شد؛ میلیون‌ها میلیون انسان دیگر، در سال‌هایی که از راه می‌رسند، به خوانندگان گتسبی بزرگ ملحق می‌شوند و در بستر داستانی که می‌تواند در هر زمان و مکانی اتفاق بیفتد، برای بسیاری حقایق گفته و ناگفته تأسف می‌خورند.